حدیث نفس کمیل

یکی از زیباترین آن‌ها حدیث «ایّ‌الانفس تری» است. کمیل به حضرت عرض کرد...؛ البته مرحوم مجلسی برای این روایت تعبیری تندی دارند. ولی خُب دیگران مثل مرحوم فیض در صافی، در علم الیقین و در بسیاری از کتاب‌هایشان آورده‌اند و مرحوم شیخ بهائی در کشکول آورده‌اند. حالا بحث از این حدیث در جای خودش باشد. دو حدیث هم هست؛ یکی حدیث نفس کمیل است، یکی هم حدیث نفس اعرابی است. مضامین آن دو هم مختلف است. می‌خواستم هم نگاه کنم اما نشد. اینطور که در حافظه من هست، مرحوم آشیخ عبد الحسین تهرانی در اسرار الصلاتشان هر دو را آورده‌اند. همچنین مرحوم فیض در کلمات مکنونه هر دو را آورده‌اند که در نرم‌افزار کلام هست.

علی ای حال ببینید خود این حدیث چقدر زیبا است. کمیل عرض می‌کند: «ارید ان تعرّفنی نفسی»؛ ای امیرالمؤمنین به محضر شما آمده‌ام تا نفس من را به من معرفی کنید. فرمودند: «ای کمیل ایّ‌الانفس تری؟»؛ می‌خواهی کدام نفس را برای تو معرفی کنم؟ «قلت هل هی الا نفس واحدة؟!»؛ خُب نفس که یکی است. مگر ما چند نفس داریم؟! حضرت فرمودند بله، چهار تا و چهار تا نفس را بیان کردند، آن هم با چه بیاناتِ مهمی. خودتان بعداً مراجعه کنید.

آن چه که الآن می‌خواهم عرض کنم، این است: در این حدیث کمیل، عبارتی هست که برای این بحث‌های ما خیلی خوب است؛ به‌خصوص تعبیری که مرحوم طریحی در مجمع البحرین نقل کرده‌اند. حدیث نفس کمیل یک ذیلی دارد که من در جای دیگری پیدا نکردم؛ مرحوم طریحی آن را آورده‌اند. مرحوم طریحی با مرحوم فیض معاصر بودند و صاحب مجمع البحرین فقط دو-سه سال زودتر از فیض وفات کردند. معلوم می‌شود که این روایت در آن زمان خیلی رایج بوده؛ آخوند در شرح اصول کافی آورده است و مرحوم فیض آن را در صافی آورده‌اند.

آن چه که منظور من است، این است: بعد از این‌که حضرت چهار نفس را توضیح می‌دهند، فرمایشاتی دارند که خیلی جالب است. ای در آن حدیث اعرابی که می‌گویند برخی از آن‌ها برمی‌گردند «عود ممازجة» و این بحث‌ها مکمل هم هستند. عبارتی که مهم است و ذیل آن در مجمع هست، این است: بعد از این‌که حضرت چهار نفس را برای کمیل توضیح دادند... - البته در زیارت نامه کمیل هم دارد که ای کسی که حدیث حقیقت و نفس را سؤال کردی؛ حدیث نفس، همین است - حضرت چه فرمودند: «والعقل وسط الکل»؛ عقل بشر وسط آن چهار نفس است. این تعبیری، تعبیری مهمی است. البته تعبیر «وسط الکل» را فیض و ... دارند، اما آن چه که تنها در مجمع البحرین است، این است:

«والعَقْلُ وَسَطُ الْكُلِّ لِكَيْلَا يَقُولَ أَحَدُكُمْ شَيْئاً مِنَ الْخَيْرِ والشَّرِّ إِلَّا لقیاسٍ مَعْقُولٍ»[1]. در بحث‌های امروزی، بحث‌های استنتاج و استدلال، منطق و زبان، خیلی گسترده بحث کرده‌اند. حضرت برای تعلیل بر وسط الکل بودن عقل، می‌گویند تا هیچ‌کدام از شما خیر و شرّی را مطرح نکند، «الا لقیاس معقول»؟ یعنی بتواند استدلال کند و گام بردارد و برای دیگران باز کند. «قیاس» ترتیب دادن چیزهایی با هم است. حالا با انواعی که معنای قیاس دارد. معنای قیاس گسترده است. قیاس منطق ارسطویی یکی از آن‌ها است. اما «معقول»؛ یعنی یک نظامی پا برجاست که شما توسط عقل که وسط الکل است، یک نظام منطقی تبیینی و استدلال معقول و قیاس معقول به پا می‌کنید. اینجا است که این ذیل مجمع البحرین از این نظر خیلی اهمیت پیدا می‌کند.

بازبينى #3
ايجاد شده 27 مارس 2024 20:25:41 توسط ... .
به روزرسانى شده 5 فوريه 2025 16:01:41 توسط ... .